

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

گفتگوی ما راجع به ادله دال بر حرمت و بطلان معاملاتی است که پیرامون هیاکل عبادت مانند صلیب و صنم انجام می شود. نکته: مسلماً مسیحیت به صلیب احترام می گذارد و یکی از شعارات آنها محسوب می شود؛ اما اینکه مانند بت، مورد پرستش و عبادت آنها بوده است یا نه، اثبات و نفی آن هر دو نیاز به اطلاعات گسترده تاریخی و کلامی دارد. البته اثبات آن آسانتر از نفی آن است.

ادامه بررسی ادله

یکی از ادله ای که در مقام داشتیم روایت دعائم الإسلام بود. جلسه گذشته ما یک اشکال سندی به این روایت گرفتیم. مرحوم آقای خوئی یک اشکال دلالی به این روایت گرفته است. ایشان می فرماید: روایت مزبور نهایتاً دال بر حرمت باشد؛ اما دال بر بطلان نیست.

ما بر اساس مبانی که قبلاً عرض کردیم، اشکال ایشان را نمی توانیم قبول کنیم؛ بلکه حتی بر اساس مبانی خود آقای خوئی نیز این اشکال قابل قبول نیست؛ چون اولاً ما قبلاً عرض کردیم که بطلان جدای از حرمت نیست. به بیان دیگر عرفاً اگر چیزی حرام شد، اثر وضعی نیز دارد. الآن در قوانین دنیا اگر تصویب شود که حمل و نقل سلاح و مواد مخدر جرم است، قطعاً معامله آنها را نیز باطل می دانند. ثانیاً بزرگانی مانند مرحوم خوئی می فرمایند: اگر در دلیلی نهی به عنوان معامله تعلق بگیرد، ظهور در بطلان دارد و ظهور آن در حرمت محتاج دلیل است. در روایت دعائم نیز نهی به عنوان معامله یعنی بیع الأصنام تعلق گرفته است؛ لذا ظهور در حرمت را نمی توانیم قبول کنیم. بله از نظر سند جای مناقشه وجود دارد. البته در جایی که ادله متعدد است، ما قائل به مناقشه سندی نیستیم؛ چون معتقدیم به مجموع ادله باید نگاه کرد. در واقع ما بر اساس مبانی تراکم ظنون که به آن معتقدیم، می گوئیم: ممکن است در موردی که ادله متعدد است، تک تک ادله مناقشاتی از حیث سند داشته باشد؛ اما مجموع را که نگاه می کنیم به یک قراری برسیم. خلاصه اینکه وقتی مجموع ادله را نگاه می کنیم، راحت می توانیم با قاطعیت فتوا به بطلان بدهیم. احدی از فقهاء نیز به غیر بطلان فتوا نداده است.

نکته: حال که بطلان اثبات شد، آیا حرمت تکلیفی نیز وجود دارد؟ ما قبلاً گفتیم: بطلان مستلزم حرمت نیست اگرچه حرمت مستلزم بطلان است؛ مثلاً صیغه نکاح چنانچه به فارسی خوانده شود، رسمیت ندارد، ولی حرام نیست. یا معامله صبی با اینکه باطل است ولی حرام نیست. پس دلیلی بر حرمت صرف صیغه خواندن نداریم. پس در بطلان معامله واقع بر هیاکل عبادت بحثی وجود ندارد. بحث مکاسب و خیلی از حواشی در اینجا تمام می شود. اما بحث از یک سری امور جانبی مسئله باقی مانده است که این امور نیز باید روشن شود:

امر اول: آیا این بطلان و حرمت مخصوص معامله ای است که حرام بر آن مترتب شود یا نه؟ اگر حرامی هم مترتب نشود، باز بطلان وجود دارد؟ مثل کسی که علاقه به جمع آوری آثار تاریخی دارد و یک صلیب می خرد. یا مثلاً فرض کنید دوران پرستش بت منقرض شده یا امروزه دیگر کسی بت نمی پرستد. در این موارد در صورت خرید و فروش صلیب و بت، حرامی مترتب نمی شود. پس اولاً ترتب حرام در این حکم تأثیر دارد یا نه؟ و ثانیاً آیا زمان و مکان در این حکم اثری دارد یا نه؟

امر دوم: مرحوم شیخ فرمود: اگر بت و صلیب به جهت هیئت آنها خرید و فروش بشود باطل است. اگر به جهت ماده آنها خرید و فروش بشود، صحیح است؛ اما در فرضی که به خاطر ماده و هیئت هر دو خرید و فروش شود، ایشان صریحاً حرفی از بطلان نزدند؛ ولی از عبارت ایشان استفاده می شود که اشکال دارد. در اینجا سؤالی که وجود دارد این است که در فرض اخیر

(بیع ماده و هیئت معاً) آیا می توان گفت: به اعتبار ماده، بیع صحیح و به اعتبار هیئت، بیع باطل است؟ نظیر موردی که چند گوسفن با یک خوک معامله می شود. در اینجا آقایان فقهاء می فرمایند: بیع تقسیط می شود که به تبع آن ثمن نیز تقسیط می شود. اصطلاحاً می گویند: در بیع ما یملک و م لا یملک بیع نسبت به ما یملک صحیح و نسبت به ما لا یملک باطل است. سؤال ما از جناب شیخ این است که شما چرا در ما نحن فیه معامله صلیب یا صنم را هم نسبت به هیئت و هم نسبت به ماده باطل می دانید؟ این بحث، بحث مهمی است.

بررسی امر اول

در این امر اول ما دو تفصیل داریم. تفصیل اول از مرحوم امام قدس سره است. خلاصه حرف ایشان این است که در معامله صلیب و صنم اگر بدانیم یا گمان داشته باشیم و یا حتی احتمال بدهیم که حرام بر آن مترتب می شود، بیع باطل و حرام است. جایی که علم یا گمان داریم، حکم به بطلان واضح است؛ اما آنجایی که احتمال ترتب حرام را می دهیم، علت حکم به بطلان، اهمیت موضوع است. می دانید که ما همه جا نمی توانیم بارتت جاری کنیم. علماء می فرمایند: در دماء، نفوس و اعراض باید احتیاط کرد. امروز اضافه کنید و در اعتقادات. اگر چیزی با عقیده مردم سر و کار دارد باید در مورد آن احتیاط کرد. اما آنجا که یقین داریم که هیچ حرامی مترتب نمی شود مثل جایی که شخص به جمع آوری آثار تاریخی علاقه دارد، نمی توانیم قائل به حرمت و بطلان شویم؛ به ویژه اگر دوران پرستش آنها سپری شده باشد. بعد در ادامه ایشان می فرماید: بعید نیست در دوران پرستش بت ها تمام نشده باشد، در یک فرض بگوییم: بیع صحیح است. آن فرض این است که شخص در این دوران برای جلوگیری از وقوع حرام اقدام به خرید بت ها می کند. البته «لا یبعد» را کسی می گوید که در مسئله شک نیز دارد.